

آموزش تربیت جنسی با دو متد اسلامی و روانشناسی به والدین کودکان ۳ تا ۶ سال

فاطمه شینی

کارشناسی ارشد گروه روانشناسی، روانشناسی بالینی، اهواز، ایران

چکیده

پژوهش حاضر با هدف آموزش تربیت جنسی با دو متد اسلامی و روانشناسی به والدین کودکان ۳ تا ۶ سال انجام شده است. روش انجام این پژوهش نیمه آزمایشی و از نظر زمانی مقطعی و از نظر هدف کاربردی است. این پژوهش، از نوع پژوهش‌های نیمه آزمایشی می‌باشد که به صورت طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل اجرا شد. جامعه پژوهش حاضر شامل مادران دارای کودکان ۳ الی ۶ سال شهر اصفهان در سال ۱۴۰۲ می‌باشد. آزمون رفتارهای جنسی به ۶۰ نفر از مادران کودکان سنین ۳ الی ۶ سال داده شد و بر اساس پاسخ آنها مادران کودکان دارای رفتار جنسی را به عنوان نمونه با حجم ۳۰ نفر انتخاب و صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل جای دهی شد. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه خودکارآمدی والدینی، پرسشنامه استرس والدینی، پرسشنامه رفتار جنسی کرک می‌باشد. در این پژوهش از شاخص‌های آمار توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار و هم از آزمون‌های آمار استنباطی شامل تحلیل کوواریانس استفاده شده است. با تعدیل نمرات پیش‌آزمون، بین گروه‌های کنترل و آزمایش در مرحله پس‌آزمون متغیرهای رفتار جنسی، خودکارآمدی والدینی، استرس والدینی با سطح معناداری ۰/۰۰۰ تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارتی آموزش تربیت جنسی بر اساس مفاهیم اسلامی و روانشناسی موجب کاهش رفتارهای جنسی فرزندان می‌شود. آموزش تربیت جنسی بر اساس مفاهیم اسلامی و روانشناسی موجب افزایش خودکارآمدی مادران می‌شود. آموزش تربیت جنسی بر اساس مفاهیم اسلامی و روانشناسی موجب کاهش استرس مادران می‌شود.

واژه‌های کلیدی: آموزش تربیت جنسی، مفاهیم اسلامی، روانشناسی، خودکارآمدی، استرس والدینی

مقدمه

یکی از استعداد‌های انسان که نیازمند شناخت عمیق و گسترده‌ای است، گزینه جنسی است که منجر به ساحتی در تربیت، تحت عنوان «تربیت جنسی» شده است. ارائه یک طرح متقن در تربیت جنسی، نیازمند فهمی عمیق و همه‌جانبه از این استعداد خدادادی است؛ بدیهی است که شناخت حسی و تجربی، دارای برد محدودی است و با توجه به محدود بودن آن به دایره پدیده‌های مادی و طبیعی، نمی‌توان تنها بر اساس دستاوردهای علوم تجربی، هست‌ها را شناخت (مصباح یزدی، ۱۳۹۴). عقل نیز دارای محدودیت‌هایی است که از کشف آنچه در حیطه فهم او نیست، عاجز است. از این جهت است که بدون کمک و هدایت وحی نمی‌توان به طرحی دقیق دست یافت و به سرمنزل سعادت رسید (حسینی مقدم، ۱۳۹۲)؛ بیان کاستی تحقیقات موجود، ضرورت پژوهش پیش‌رو را نیز روشن می‌سازد؛ به عبارت‌دیگر پژوهش‌هایی که در عرصه تربیت جنسی انجام شده است، غالباً به بیان روش‌ها آن هم صرفاً با نقل آیات و روایات پرداخته‌اند. این پژوهش‌ها علاوه بر کاستی در عدم تحلیل و تبیین مدلولات آیات و روایات و عدم ارائه استنتاجات تربیتی لازم، دارای اشکالات دیگری نیز هستند؛ از جمله در برخی موارد به دلیل عدم وضوح پیش‌فرض‌ها و مبانی نظری، در اعتبار و روایی تجویزات دچار تردید خواهیم شد؛ علاوه بر سیلان بودن روش‌های تربیت جنسی و نیاز به نو شدن پیوسته آنها، مریبان را با چالش‌های نظری و عملی مواجه خواهد کرد. به همین جهت این پژوهش برای برطرف کردن این کاستی‌ها، مطالعه الگوی اسلامی در تربیت جنسی را مورد نظر قرار داده است. همچنین در شرایط کنونی تربیت جنسی بر استرس و خودکارآمدی والدین بسیار اثر گذار است. که این تربیت از بعد روانشناسی نیز اثر گذار است. و تربیت جنسی در مفهوم کلی خود یعنی انتقال نگرش‌ها، ارزش‌ها، و احساسات مرتبط به مرد یا زن‌بودن و آموزش انسان‌ها در ارتباط با اعضا و کارکردهای بدن. باید به کودکان مهارت‌هایی آموخته شود تا به کمک آن مهارت‌ها بتوانند تصمیمات خوبی در مورد میل جنسی خود بگیرند و موقعیت‌های خطرناک و موقعیت‌هایی را که در آن‌ها احتمال سوء استفاده جنسی وجود دارد، تشخیص بدهند و از این موقعیت‌ها خارج شوند. اگرچه پدر مادرها تا قبل از مقطع پیش دبستانی یا سال‌های نخست دبستان با فرزندشان در مورد میل و ارتباط جنسی حرف نمی‌زنند ولی تعلیم و تربیت جنسی بچه‌ها عملاً از بدو تولد شروع می‌شود. بنابراین بهتر است فرایندی باشد که یک عمر طول می‌کشد. کودکان از زمانی با میل جنسی و مسائل جنسی آشنا می‌شوند که والدین، در قالب مراقبت از آن‌ها (مثلاً در قالب شیردادن با پستان، عوض کردن پوشک، حمام کردن و رفتار مشابه)، احساس خود درباره اندام‌های بدن را بروز می‌دهند. وقتی طفل اکتشاف جنسی خود را شروع می‌کند، پدر و مادر با واکنش‌های خود، پیام‌های مثبت و منفی مشخصی در مورد اکتشاف کودک به او می‌دهند. این ارتباط غیر کلامی آغازین، ارزش‌ها و نگرش‌های جنسی کودک را رقم می‌زند. (شرودر، گوردن، ۱۳۹۳). در مقطع پیش‌دبستانی، پدر و مادر مهمترین مریبان جنسی کودک هستند هر چند ظاهراً اطلاعات جنسی به کودک نمی‌دهند، بنابراین، اطلاعات جنسی کودکان و ارزش‌های آنان در رابطه با میل جنس، با اطلاعاتی که والدین به آن‌ها می‌دهند رابطه نزدیکی دارد. ولی بسیاری از پدر مادرها دوست ندارند در مورد مسائل جنسی با فرزند خود حرف بزنند. به همین دلیل عمدتاً تمام زوایای میل و ارتباط جنسی را برای فرزندانشان خود باز نمی‌کنند. آن‌ها معمولاً در مورد حاملگی و زایمان با فرزندانشان خود حرف می‌زنند ولی مقاربت، بیماری‌های مقاربتی، راه‌های پیشگیری از بارداری یا سوء استفاده جنسی را پیش نمی‌کشند- همان موضوعاتی که کودکان، به ویژه کودکان باید در مورد آن‌ها اطلاعات دریافت کنند. چون پدر مادرها عمدتاً در مورد مسائل جنسی به فرزندانشان خود اطلاعات کافی نمی‌دهند، بچه‌ها اطلاعات همسالان و رسانه‌های جمعی را ملاک قرار می‌دهند که متأسفانه معمولاً غلط و گیج کننده‌اند و حتی به درک کودکان از خودشان لطمه می‌زنند. کودکان معمولاً سر حرف در مورد مسائل جنسی را باز

نمی‌کنند. به همین دلیل پدر مادرها باید از رفتار کودکان بفهمند که (آماده) دریافت اطلاعات جنسی هستند یا خیر. جواب دادن به سئوالات کودکان و واکنش نشان دادن به رفتارهای جنسی آن‌ها به نحو مقتضی و بدون قضاوت، میل کودکان به کنجکاوی جنسی را ارضاء کرده و نیاز آن‌ها به آزمایشگری جنسی را کم می‌کند (گوردون و اسنایدر، ۱۹۸۹). وانگهی، دریافت اطلاعات جنسی با تعویق رفتارهای جنسی کودکان و انجام رفتارهای جنسی مسئولانه‌تر در وقت مقتضی، رابطه دارد (کولی و چیس-لنزیدیل، ۱۹۹۸، به نقل از (شرودر، گوردن، ۱۳۹۳). مسئله اصلی این پژوهش این است که آیا آموزش تربیت جنسی بر اساس مفاهیم اسلامی و روانشناسی موجب کاهش رفتارهای جنسی وابسته به رشد فرزندان و افزایش خودکارآمدی مادران در برخورد با رفتار کودک خواهد بود؟ و آیا موجب کاهش استرس مادران در برخورد با رفتار کودک خود می‌شود.

اهمیت و ضرورت تحقیق:

مسلمانان، در سال‌های اخیر با ناهنجاری‌های رفتاری بسیاری روبه‌رو هستند. این ناهنجاری‌ها که میان مسلمانان و اصول و مبانی اعتقادی آنها جدایی افکنده است، بیشتر یا برخاسته از اوضاع و احوال ناشی از عقب ماندگی فرهنگی است که جوامع اسلامی با آن دست به‌گریبانند و یا ناشی از تحولات اجتماعی فرهنگی است که در میان مسلمانان در پی تحولات عظیم در جامعه جهانی رخ داده است. گاه نیز هر دو پدیده در پیدایش این ناهنجاری‌های رفتاری مؤثر بوده‌اند، از این گذشته، ناآگاهی پدران و مادران و مربیان از هنجاری‌های اسلامی درباره مسایل جنسی، خود مزید بر علت شده است. معمولاً پژوهش‌های تجربی و نیمه تجربی برای آشنایی با چند و چون مسایل و مشکلات اجتماعی، از داده‌ها و روش‌های آماری یاری می‌گیرد، اما دستیابی به واقعیت از طریق آمار و ارقام درست و واقع‌نما دشوار است. حال اگر موضوع پژوهش، اخلاقی و به ویژه رفتار جنسی باشد، پژوهش دشوارتر خواهد بود. زیرا مردم تلاش می‌کنند، ناهنجاری‌های رفتاری در امور جنسی را به دلایلی پوشیده نگاه دارند. البته گاه جسته و گریخته آمار و ارقامی از این‌جا و آن‌جا به دست می‌آید، اما این‌ها به هیچ‌روی گویای حقیقت نیست. از این گذشته، همین داده‌های اندک نیز، گاه در لابه‌لای پرونده‌ها پنهان می‌ماند. بنابراین، پژوهشگر چاره‌ای ندارد مگر استناد به مشاهدات خود و آنچه که در رسانه‌های گروهی انعکاس می‌یابد بر اساس جهان‌بینی اسلامی، راهبردی خاص در تربیت جنسی دنبال می‌شود که نسبت به نظریات رقیب، دارای امتیازات و تفاوت‌هایی است. پژوهش حاضر در این راستا است تا با نگاه توصیفی - تحلیلی به منابع دینی، راهبرد دین نسبت به این ساحت از تربیت را تبیین کند تا در پی آن، به چپستی مدل اسلامی تربیت جنسی دست یابد. ترسیم خطوط اندیشه اسلامی در تربیت جنسی، راهگشا و جهت‌دهنده دستورالعمل‌های تربیتی آن و هدفمند کردن فعالیت‌های مربیان و والدین در عرصه عمل تربیتی، به‌ویژه آموزش جنسی خواهد بود. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در مبانی نظری تربیت جنسی، نگاه اسلام به این ساحت از تربیت، برخلاف نظریات دیگر، نه صرفاً دنیاگرا و نه آخرت‌گرا است؛ بدین‌معنا که بهره‌مندی از مواهب دنیوی این‌گریزه، دروهله اول، منافاتی با هدف اصیل که قرب الهی است، ندارد؛ علاوه بر این، تربیت جنسی در اسلام، قبل از تولد فرد تا زمانی که در حیات دنیوی است، ادامه دارد؛ همچنین بر اساس ابعاد اصیل وجود انسان و توجه به مبانی شکل‌گیری رفتار اختیاری و نظر به دستورات رسیده در منابع دینی، سه ساحت شناختی، عاطفی و رفتاری در سه سطح زمینه‌ساز، ایجابی و سلبی جهت کاربست دستورالعمل‌های تربیتی در این پژوهش استنباط شده است. همچنین از ضرورت‌های دیگر این پژوهش می‌توان به بعد روانشناسی آن اشاره کرد. از نظر هوستون، مارتین و فلدر (۲۰۱۶)، افرادی که در سمینارها و برنامه‌های آموزش جنسی شرکت می‌کنند بسیار راحت‌تر می‌توانند راجع به مسائل جنسی با کودکان شان صحبت کنند؛ همچنین این والدین منابع مناسب خواندنی را درباره مسائل جنسی برای

فرزندان خود فراهم می‌آورند (کارون و همکاران، ۲۰۱۸). در پژوهشی ادلوی (۲۰۱۷) نشان داد بیشتر والدین با داشتن یک واحد درسی راجع به آموزش جنسی، در مدارس فرزندان نشان موافق بودند. کینگ، پارسی، ادویر (۲۰۱۶) اظهار کرده‌اند در پژوهش آن‌ها فقط ۱۸ درصد از شرکت‌کنندگان که هیچ دوره آموزش جنسی‌ای نگذرانده بودند، راجع به مسائل جنسی با کودکانشان گفت‌وگو کرده بودند؛ در صورتی که ۸۶.۵ درصد آن‌هایی که آموزش جنسی دیده بودند، راجع به مسائل جنسی با فرزندانشان گفت‌وگو داشت یکی از پرسش‌های مورد توجه برخی از پژوهشگران این بوده است که آیا گذراندن یک دوره آموزشی جنسی برای افراد جوان آثار درازمدتی بر تمایل آن‌ها برای بحث درباره مسائل جنسی با فرزندانشان در آینده، خواهد داشت یا خیر؟ مطالعات متعددی نشان داده است این دوره‌های آموزشی تاثیرات دراز مدتی بر اعضای شرکت کننده داشته است. به‌طور کلی، در دوره‌های آموزش جنسی، کودکان می‌توانند ارزش‌ها و نگرش‌های جنسی خود را بیان و تبادل نظر کنند (رودریگوئز، ۲۰۱۷) در همین زمینه پیلای و یتس (۲۰۱۷) معتقدند اولین قدم برای جلوگیری از انحرافات جنسی و بارداری در کودکان، دوره‌های آموزش جنسی است و اینگونه برنامه‌ها ممکن است نتایج مثبتی به بار آورد. آموزش جنسی صحیح در مدارس باعث می‌شود مسئولیت‌پذیری و درک کودکان از امور جنسی افزایش یابد (مینو و همکاران ۲۰۱۸). پژوهشگران بسیاری که به بررسی تأثیر آموزش جنسی پرداخته‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که آموزش جنسی باعث می‌شود فعالیت جنسی، بارداری ناخواسته و سقط جنین کاهش یابد (دارز، چایکس، ۲۰۱۰؛ دایکاس و کاستنر، ۲۰۱۴). نتایج برخی از مطالعات نشان داده است افرادی که در برنامه‌های آموزش جنسی شرکت می‌کنند، هیچ افزایشی در رفتار جنسی یا تعداد شرکای جنسی آن‌ها مشاهده نمی‌شود (اندرسون و همکاران، ۲۰۱۴). مطالعات بسیاری نشان داده است که آموزش جنسی بر سطوح فعالیت جنسی تأثیر ندارد (بالدوین و وایتلی و بالدوین، ۲۰۱۵) البته پژوهش‌های محدودی نشان می‌دهد که آموزش جنسی سبب می‌شود فعالیت جنسی در آموزش‌دیدگان افزایش یابد (مارسیگلیو وموت، ۲۰۱۵، به نقل از فهمی، شکوهی یکتا، پرنده، ۱۳۹۷). از بهره‌وران این پژوهش می‌توان به مادران، دانشجویان و اساتید روانشناسی اشاره کرد.

اهداف تحقیق

۱. بررسی تأثیر آموزش تربیت جنسی بر اساس مفاهیم اسلامی و روانشناسی بر کاهش رفتارهای جنسی فرزندان
۲. بررسی تأثیر آموزش تربیت جنسی بر اساس مفاهیم اسلامی و روانشناسی بر افزایش خودکارآمدی مادران در این زمینه
۳. بررسی تأثیر آموزش تربیت جنسی بر اساس مفاهیم اسلامی و روانشناسی بر کاهش استرس مادران در این زمینه

فرضیه تحقیق

۱. آموزش تربیت جنسی بر اساس مفاهیم اسلامی و روانشناسی موجب کاهش رفتارهای جنسی فرزندان می‌شود.
 ۲. آموزش تربیت جنسی بر اساس مفاهیم اسلامی و روانشناسی موجب افزایش خودکارآمدی مادران می‌شود.
 ۳. آموزش تربیت جنسی بر اساس مفاهیم اسلامی و روانشناسی موجب کاهش استرس مادران می‌شود.
- در اسلام گزینه جنسی به عنوان یک واقعیت وجودی انسان در مورد پذیرش و احترام قرار گرفته است و اصل پرورش و کنترل گزینه جنسی به عنوان یکی از مسئولیت‌های اصلی جامعه و والدین مورد توجه ویژه قرار گرفته و در روایات مختلف توصیه‌هایی درباره آن ارائه شده است. اسلام، در برخورد با گزینه ی جنسی از در سرکوب و مخالفت بر نمی‌آید، بلکه مثل تمام غرایز راهکار تربیت صحیح و تعدیل و در اختیار گرفتن آن را توسط انسان مطرح می‌کند و مخالفت با آن را مایه ی تباهی

انسان می‌داند، این گونه برخورد اسلام با گزینه جنسی همان است که تربیت جنسی نامیده می‌شود. تربیت جنسی در اسلام، بر جهان بینی اسلامی درباره ماهیت انسان و رابطه او با خالق مبتنی است. «تربیت جنسی در اسلام، معنایی وسیع تر از آموزش جنسی دارد و هدف آن آشنا کردن فرد با هنجارهای شرعی است که راه پاکدامنی و برخورد مشروع و معقول با شهوت جنسی را نشان می‌دهد (یوسف مدن، به نقل از رفیعی، ۱۳۸۳). « غرض از تربیت جنسی در اسلام، پرورش، تعدیل، کنترل و جهت‌دهی است، نه پروردن و اوج دادن به آن» (فرمehینی فراهانی، ۱۳۸۷).

در اسلام هدف این است که عناصر جسمانی و روانی انسان ها، هماهنگ و متحد بوده و برای شکوفایی کامل استعدادها و هماهنگ و متعادل عمل کنند. اسلام غریزی جنسی انسان را انکار نکرده و خواهان سرکوب آن نیست. اما با آزادی بی قید و شرط آن نیز موافقت نمی‌کند، بلکه جهت و بستر ارضای غرایز را به صورت کنترل شده تعیین می‌کند. آن گونه که همزمان با کنترل عواطف و امیال، بتوان قوای عقلانی خود را نیز تقویت کرد. اسلام برای حفظ پاکدامنی، مقرراتی را برای انسان‌ها وضع کرده تا با رعایت آنها به رشد اخلاقی و معنوی برسد. تفاوت بین اندیشه های دینی و اسلامی با سایر دیدگاه های غیر دینی برای تربیت جنسی بسیار اساسی است. اسلام ریشه و مبانی اخلاقی را بطور عام از شرع می‌گیرد و دیدگاه های غیر دینی آن را از حیات اجتماعی و شرایط عرف اجتماع اخذ می‌کند. در دین مبین اسلام، تلقی از تربیت جنسی آموزش مسائل جنسی به کودکان با برداشت غرب متفاوت است، به ترتیبی که در اسلام منظور از پرورش یا تربیت جنسی اوج دادن به این گزینه و تشویق فرد به انتفاع هر چه بیشتر از آن نیست، بلکه در دیدگاه اسلامی هدف تعدیل و جهت دهی به گزینه جنسی است و در این جهت بیشتر به افراد کمک کی گردد که از راههای صحیح گزینه جنسی خود را ارضاء نمایند (رهنما، ۱۳۸۴).

از جمع بندی مطالب فوق می‌توان گفت تربیت جنسی از دیدگاه اسلام عبارت است از مجموعه اقدامات تربیتی مربوط به گزینه جنسی شامل هدایت، کنترل، تعدیل و ضابطه مند کردن گزینه جنسی که دین اسلام برای حفظ عفت و پاکدامنی، شرافت و کرامت انسان به کار گرفته است (فرمehینی فراهانی، ۱۳۷۸). به نحوی که به رشد و تعالی شخصیت اخلاقی، عاطفی، اجتماعی و فرهنگی او منجر گردد (پورامینی، ۱۳۸۳).

یادگیری اینکه یک پسر یا دختر چگونه باید باشد، معمولاً در زمان تولد با این خبر که «آن یک پسر است!» یا «آن یک دختر است!» شروع می‌شود. این خبر به سرعت با تعیین نام «متناسب با جنس» با پوشاندن لباس با رنگ خاص ادامه می‌یابد. چنین اعمالی نشان دهنده آن است که ما معتقدیم جنسیت یک کودک عامل مهمی در زندگی اوست و علاوه بر تفاوت های زیستی آشکار بین پسران و دختران، تفاوت های جنسی نسبتاً مهمی در نو باوگی آنان مشاهده شده است در دوران کودکی، تفاوت های ثابت بین دو جنس خیلی زیاد نیست، ماکوبی و جاکلین (۱۹۷۴) دریافتند که پسران در مقایسه با دختران از نظر فیزیکی پرخاشگر ترند در بازی ها بیشتر رقابت می‌کنند و در مقابل تقاضاهای والدین بیشتر مقاومت نشان می‌دهند. در کودکی برای درک نقش جنسی از جانب والدین، تلویزیون و معلمان فشار زیادی وجود دارد. به خاطر افزایش توانایی های شناختی جهت و ثبت « این پیام ها، به نظر می‌رسد که نمی‌توان تفاوت های کاملاً آشکاری بین پسران و دختران در این سن پیدا کرد (سادات، ۱۳۹۵).

هنجارهای نقش جنسی مردانه، به نظر نمی‌رسد رشد را در برخی زمینه ها محدود کند، با این حال پسرانی که در جوامع طرفدار شیوه های رفتار قالبی مردانه، رشد می‌یابند احساس روشنتری از خود دارند و اغلب گرایش به قدرت اجتماعی و سیاسی در آنها به وجود می‌آید. از یک پسر بیشتر از دختر انتظار می‌رود تا در زندگیش کنترل داشته باشد. او باید تصمیم بگیرد که چه نوع کاری را می‌خواهد انجام دهد چه سطح درآمدی او را راضی خواهد کرد، و کدام زن را در مشارک در زندگی

انتخاب کند. برای موفقیت افراد مذکر در ایفای نقش هایی که جامعه تعیین کرده است، دستیابی به هویت، مستقل شدن در زندگی خانوادگی و انتخاب یک شغل ضروری است.

می توان تصور کرد پسرانی که بیشتر طبق نقشهای سنتی پرورش می یابند، دیرتر به و بزرگسالی می رسند، اما این احتمال وجود دارد که نقشهای جدید را بپذیرند. (ژوزف پلک ۱۹۷۶) می گوید «در حال که در کودکی برای پسران نیروی بدنی و توانایی جسمانی ارزشمند است و به آنها آموزش داده می شود تا از دختران اجتناب کنند: اما در بزرگسالی برای مردان مهارتهای هوشی و اجتماعی و توانایی ارتباط برقرار کردن با دیگر افراد مونث به عنوان همکاران و دوستان اهمیت پیدا میکند» (تمبل و همکاران، ۲۰۰۸).

رشد هویت در افراد مونث

در طی کودکی، دختران در مقایسه با پسران محدودیتهای مرتبط با جنس همسانی را تجربه می کنند اما احتمال می رود ویژگی ها و رفتارهایی که سابقاً به عنوان صفات زنانه مورد پذیرش بود، اکنون مورد قبول نباشد. این فشارها دختر کودک را وادار می کند تا از یک حالت آندروژنی به سوی یک حالت زنانه که در آن نوعی گسستگی نقش وجود دارد (موفقیت با نقش زنانگی سنتی در تناقض است) حرکت کند (افتخاری، ۱۳۹۶).

این تعارض در برخی از جنبه های رشد خود را نشان می دهد. یکی از جنبه هایی که توجه بسیار زیادی را به خود جلب کرده است «ترس از موفق شدن» زنان است (صابری، ۱۳۹۵؛ مرگان و فاربر، ۱۹۹۲).

تحقیقات جدید در این زمینه نشان می دهد که زنان موفقیت شغلی در سطوح بالا را طرد اجتماعی همراه می دانند. آنچه در این زمینه یافت شده، نشان می دهد که کودک مونث در مقایسه با کودک مذکر فشارهای زندگی را بیشتر گزارش کرده از نظر سلامت جسمانی و عاطفی ضعیفتر هستند. گرچه دختران گزارش می دهند که حمایت اجتماعی بیشتری را از جانب همسالان خود دریافت می دارند (عبداللهی، ۱۳۹۲).

از عوامل مهم در کنترل و آموزش رفتار جنسی به کودک می توان به استرسی والدین اشاره کرد. اغلب والدین فکر می کنند که می توان از حدود ۶ سالگی آغاز به گفت و گو در این زمینه را می توان آغاز کرد و همچنین برخی از والدین معتقدند که در سنین نزدیک بلوغ لازم است فرزندشان را از مسائل جنسی آگاه کنند و برخی نیز عقیده دارند که به هیچ وجه نباید درباره ی این مسئله صحبت کنند همین تفکرات سبب ساز استرس والدین می گردد.

استرس والدگری:

تولد فرزند یک تغییر بزرگی در زندگی والدین است که بدنبال خود استرس خاصی به عنوان استرس والدگری به همراه دارد. ثابت شده است که نوع استرس نقش والدگری از سایر استرس های زندگی مثل استرس ناشی از کار، حوادث و تجارب ناگوار کاملاً متفاوت بوده و این استرس ویژه و خاص این نقش والدگری است. همچنین این استرس نسبت به دیگر حیطه های استرس زای زندگی بیشترین تاثیر را بر رفتار والدین و رشد کودکان می گذارد و پیش بین قوی از مشکلات رفتاری و عاطفی کودکان است (کلببرگ و همکاران، ۲۰۱۹). به عنوان مثال محققان، یک گروه از خانواده های بی خانمانی را که در معرض خطر مشکلات جسمانی و روانی بودند مورد مطالعه قرار دادند. بدلیل منابع استرس زائی که این گروه در زندگی روزانه با آن مواجه بودند، در میان آنها خانواده هایی وجود داشت که دارای سطح بالائی از استرس والدگری بودند که به تبع آن، کودکانی با

بالاترین سطح مشکل در رشد اجتماعی و شناختی داشتند (دانسکو و هولدن، ۱۹۹۸). بنابراین استرس والد گری می تواند، به طور خاص آنچنان تاثیر گذار باشد که به عنوان علل و عواقب طیفی از رفتار های والدینی و کودکان تلقی شود. اما با این وجود استرس نقش والد گری نمی تواند کاملاً جدا از استرس های دیگر، نقش ها و تجربه ها باشد قطعاً بین استرس هایی که ما در نقش های گوناگون تجربه می کنیم هم پوشی هایی وجود دارد (بارنت، مارشال و سینگر، ۱۹۹۲).

خصیصه ی بارز در هر نظریه ی استرس والدگری بر عقیده ی هماهنگی و تعادل بین درک والدین از تقاضا ها و مسئولیت های این نقش و دسترسی به منابع موجود برای تامین این نیازها و تقاضا ها است. در واقع این تعادل و هماهنگی بین تقاضا ها، نیاز ها و منابع های موجود، مرکزیت اکثر نظریه های استرس و مقابله گری است (هاب فال، ۲۰۰۴). استرس والدگری زمانی ایجاد می شود که این تقاضا ها و مسئولیت های بر خاسته از نقش والدگری توسط منابع موجود، نتوانند ارضا شوند (گلدستن، ۱۹۹۵).

این مسئولیت های ایجاد شده برای والدین بسیار و متنوع می باشند و شامل برآورده ساختن نیاز های خاص کودک و تقاضا های برخواسته از نقش اجتماعی والدینی است. علاوه بر این از دیگر مسئولیت ها و تقاضاهای نقش والدگری، برآورده کردن نیاز های کودک مثل نیاز به بقا (خوراک، مسکن، مراقبت و نگهداری و موارد دیگر) و نیاز های روانشناختی (توجه، محبت، کمک در کنترل و تنظیم عواطف) می باشد.

البته علاوه بر نیاز ها و تقاضاهای ایجاد شده، برداشت و نگرش والدین از رفتار کودکان و نگرش و برداشت از لیاقت و کفایت خودشان به عنوان والد در اکثر نظریه های استرس والد گری مهم تلقی شده است ماش و جان استون، (۱۹۸۳). استرس والدگری می تواند حتی برای والدینی که به طور کامل از تمامی منابع که برای یک زندگی فارغ از استرس، مثل درآمد کافی، خانه و منابع اجتماعی و... برخوردارند، اتفاق بیافتد. اما این استرس والدگری بدلیل تفاوت های بنیادی و مجزا بین والدین خانواده ها متفاوت است، با این وجود استرس والدگری بیشتر خود را در تجارب فردی والدین در فرزند پروری نشان می دهد. به عنوان مثال کودک پیش فعال و پر توقع یک والدین می تواند به عنوان کودک ابرازگر و پر انرژی برای والدین دیگر تلقی شود (کریسی و ریس، ۲۰۱۶؛ تسرنیک و گرینبرگ، ۲۰۱۷؛ تسرنیک، لو، و بورن استین، ۲۰۱۷).

تعریف مفهوم استرس والدگری:

استرس والدگری می تواند به طور مختصر چنین تعریف شود: یک سری فرآیند هایی که به خاطر تلاش برای سازگاری با الزامات نقش والدینی به یک سری واکنش های روانی و فیزیکی ناخوشایند منتهی می شود. این فرآیند اغلب به صورت احساسات و تجارب منفی در مورد خود فرد و کودک تجربه می شود. این احساسات منفی به طور مستقیم از نقش والدگری ناشی می شود. اما باید در نظر داشت که این تعریف ساده از استرس والدگری نباید از ارزش این حقیقت بکاهد که استرس والدگری شامل یک سری وسیع از فرآیندهای پویا و پیچیده ای از جمله: ارتباط با کودک و رفتارهای او، الزامات نقش والدینی، منابع والدینی، واکنش های والدینی به مسئولیت ها و تقاضاها، کیفیت ارتباط والدینی با کودک و دیگر اعضای خانواده و ارتباطات با دیگر افراد و موسسات بیرون خانه است. علاوه بر این فرآیند استرس، ارتباط با مهارت مقابله گری، سازگاری موفقیت آمیز با الزامات نقش والدینی دارد؛ و برای بسیاری از افراد این تقاضاهای والدینی قابل مدیریت اند و با وجود سخت بودن این کار بخصوص در برحه هایی از زندگی، قابل پاداش هم هستند. حتی در خانواده هایی که با مشکلات جدی و مزمن

مواجه شدند مثل بیماری کودک، اگرچه نه همه ی والدین، اما تعدادی از آنها با این چالش ها به طور موفقیت آمیزی کنار آمدند (راتر، ۱۹۸۷).

آبیدین (۱۹۹۲) استرس والد گری را، حاصل اثر تعاملی کنش وری خصوصیات اصلی و آشکار والدین (مانند افسردگی، احساس صلاحیت، سلامت، روابط توأم با دلبستگی با کودک، روابط با همسر، محدودیت ناشی از نقش پذیرندگی یا مادری کردن) با خصوصیات کودک (مانند سازش پذیری، پذیرندگی، فزون طلبی، خلق، فزون کنشی و تقویت گری) می داند. او همچنین معتقد است که ویژگی های والد و کودک، همراه با متغیر های موقعیتی بیرونی و عوامل تنیدگی زای زندگی (مانند طلاق، مشکلات شغلی و...) دلیل افزایش احتمالی نارسا کنش وری و استرس والد گری است

نظریه های استرس والدگری:

اگرچه علت و مسبب استرس والدگری در مفاهیم گوناگونی بیان شده است (آبیدین، ۱۹۹۲؛ بلسکی، ۱۹۸۴؛ تسرنیک و همکاران، ۲۰۱۷). اما دو مکتب برجسته در ارزیابی و بررسی این علت و تاثیر ها وجود دارند، این دو مکتب شامل محتویاتی است که به خاطر آن به آنها نظریه های روابط- کودک - والدین و نظریه ی مشاجرات روزمره می گویند، این دو نظریه، دو نظریه ی مقابل هم و رقیب هم نیستند اما در عوض چشم اندازی تناوبی و کامل کننده در مورد استرس والدگری، علل و عواقب آن ارائه می دهند (دیتر - دیکارد، ۲۰۰۸).

نظریه ی استرس والدین - کودک - روابط کودک و والدین:

مهمترین نظریه استرس والدگری که توسط محققان مورد امتحان قرار گرفته است، سه قسمت جداگانه را در ایجاد این استرس فرض می گیرد. P: حیطة و حوزه والدینی، آن جنبه هایی از استرس والدگری که از والدین بر می خیزد، C: حیطة یا حوزه کودک، آن جنبه از استرس والدگری که از رفتار کودک بر می خیزد، R: حیطة و حوزه روابط والد - کودک، آن جنبه هایی از استرس والدگری که از روابط کودک-والدین بر می خیزد. طبق این نظریه در خانواده هایی که استرس والدینی بالایی دارند و در رشد کودک و رفتار والدین مشکل وجود دارد، بالا بودن استرس حوزه ی روابط کودک-والدینی بیشتر دیده می شود (آبیدین، ۱۹۹۲، ۱۹۹۵).

استرس حوزه ی والدینی ارتباط قوی با مسائل و مشکلات حوزه ی عملکردی خود والدین دارد (مثل افسردگی، نگرانی و موارد دیگر) استرس حوزه ی کودک ارتباط قوی و مهم با نگرش در مورد کودک دارد (از قبیل مشکلات رفتاری و موارد دیگر) و بدکاری حوزه ی روابط والدینی - کودک ارتباط قوی با میزان درجه ی مسئولیت در روابط کودک- والدینی دارد (بندل، استون، فیلد و گولدستون ۱۹۸۹؛ آیرگ، بوگس و رادریگوس، ۱۹۹۳).

این سه حوزه ی استرس والدگری به نوبه ی خود اکثر جنبه های کیفی و موثر رفتار والدینی را تحت تاثیر قرار داده و موجب بدتر و خراب تر شدن آنها می شوند. که می تواند موجب کاهش در مهر و محبت والدینی، افزایش روش های خشونت بار انضباطی و ابراز خصومت نسبت به کودک، ثبات کم در رفتار والدین، یا انزوای کامل از نقش والدینی شود. این افت در کیفیت فرزند پروری در بیشتر نمونه ها به عنوان سوءاستفاده و آزارگری با کودک تعریف می شوند. که در نهایت منجر به افزایش مشکلات رفتاری و عاطفی در کودک می شود که می توان از آنها به خشونت، نافرمانی، نگرانی و اندوه مزمن کودک نام برد.

نظریه کودک-والدین-روابط، از وجود یک الگوی تاثیرگذار دوسویه والدین بر کودک و کودک بر والدین صحبت می کند با این فرض که با افزایش مشکلات رفتاری و عاطفی کودک در طول زمان، استرس والدگری هم محتملا زیادتیر می شود در نتیجه مشکلات در حوزه ی سلامت کودک و والدین ترویج می یابد.

به همین منوال، مشکلات خود والدین در حوزه ی بهداشت روان و عملکردی (افسردگی، نگرانی، سوءمصرف مواد) میتواند منجر به مشکلاتی در فرزند پروری و منجر به افزایش مشکلات رفتاری و عاطفی کودک شوند که به نوبه ی خود می تواند سطح استرس والدگری آنها را افزایش دهد. اگرچه این مکانیسم استرس والدگری در طول زمان آشکار نمی شود و هر دو والدین و کودک را درگیر می سازد اما در اصل این واکنش های والدین به مسئولیت های والدینی است که فاکتور کلیدی در به جلو راندن این فرآیند می باشد. لذا با توجه به نوع واکنش و نگرش والدین استرس والدگری می تواند افزایش یافته، کیفیت فرزندپروری بدتر شده و در نهایت مسائل رفتاری و عاطفی کودک افزایش پیدا خواهد کرد. و با کاهش استرس والدگری، فرزندپروری بهبود یافته و در نتیجه سلامت عاطفی و اجتماعی کودک بهتر خواهد شد (دیتر دیکارد، ۲۰۰۸).

روش پژوهش

این پژوهش، از نوع پژوهش های نیمه آزمایشی می باشد که به صورت طرح پیش آزمون-پس آزمون با گروه کنترل اجرا شد. دیاگرام طرح به شکل زیر است:

جدول طرح پیش آزمون - پس آزمون

گروه ها	پیش آزمون	متغیر مستقل	پس آزمون
آزمایش	T1	آموزش مبتنی بر تربیت جنسی	T2
کنترل	T1	-----	T2

جامعه آماری

جامعه پژوهش حاضر شامل مادران دارای کودکان ۳ الی ۶ سال شهر اصفهان در سال ۱۴۰۲ می باشد.

نمونه آماری و روش نمونه گیری

هدف در این پژوهش، از نوع کاربردی و روش تحقیق، نیمه آزمایشی و پیش آزمون و پس آزمون و با گروه کنترل بوده است. آزمون رفتارهای جنسی به تعدادی از مادران کودکان سنین ۳ الی ۶ سال داده شد و بر اساس پاسخ آنها مادران کودکان دارای رفتار جنسی را به عنوان نمونه با حجم ۳۰ نفر انتخاب و صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل جای دهی شد.

پرسشنامه خودکارآمدی والدینی

این پرسشنامه توسط بندورا (۱۹۸۹) طراحی و در سال ۲۰۰۹ توسط سوزوکی و همکاران در آمریکا و ژاپن با تغییراتی مورد استفاده قرار گرفته است. پرسشنامه مذکور دارای ۲۵ گزاره است که خودکارآمدی تربیتی والدین را مورد سنجش قرار می دهد.

د راین پرسشنامه ۱۰ گزاره مربوط به آموزش مسایلی که مربوط به رفتار فرزندان در آینده است، می باشد. در نهایت مجموعه ۲۵ گزاره سازه خودکارآمدی والدین را مشخص می کنند. سوزوکی و همکاران (۲۰۰۹) ضریب پایایی این پرسشنامه را در دو کشور ژاپن (۰/۸۷) و آمریکا (۰/۹۲) گزارش کردند.

فرآیند محتوی جلسات مداخله (جلسات آموزشی)

محتوی جلسات آموزشی طی شش جلسه که هر جلسه در یک هفته برگزار گردید و هر جلسه یک و نیم ساعت بود و در طی شش هفته آموزش روی گروه آزمایش، اجرا شد. گروه کنترل، مداخله ای دریافت نکردند. قبل از آموزش و در پایان مداخله، از هر دو گروه پیش آزمون و پس از آزمون به عمل آمد. طرح درمان این پژوهش برگرفته از جمع بندی مطالب از کتاب های مختلف داخلی و خارجی در زمینه تربیت جنسی می باشد که به شرح زیر خواهند بود:

جلسه اول

معارفه و برقراری ارتباط اولیه - ساختار و اهداف جلسات - ضرورت و اهمیت موضوع رفع حساسیت های احتمالی - ارائه کلیه پکیج آموزشی - ارائه تعاریف و اهداف موضوع - کمک به اعضا و آموزش آنها برای تعیین اهداف خود به صورت مثبت، ملموس و عینی - بیان مفاهیم اسلامی و روانشناسی در زمینه تربیت جنسی کودکان - جمع بندی مطالب جلسه

جلسه دوم

بازخورد از جلسه قبل - طرح سوال به عنوان تربیت به معنای آن از چه زمانی آغاز می شود و تربیت جنسی به صورت خاص از چه زمانی شروع می شود و دریافت پاسخ فراگیران به صورت بارش فکری - بیان ویژگی های رشدی دوران کودکی و مرحله ۶ - ۳ سالگی - جمع بندی مطالب و نتیجه گیری.

جلسه سوم

دریافت بازخورد از جلسه قبل و بیان خلاصه و مختصر از مطالب قبلی - طرح موضوع حجم اطلاعاتی که در زمینه تربیت جنسی باید ارائه گردد - دریافت نظرات فراگیران اولیا و ارائه مطالب علمی و دینی به فراگیران در زمینه اینکه تا چه حد اندازه باید به کودکان در زمینه جنسی اطلاعات و آگاهی داده شود - بیان تغییرات جسمانی، تغییرات هورمونی، تغییرات خلقی، تغییرات روان اجتماعی در کودک - جمع بندی و نتیجه گیری.

جلسه چهارم

دریافت بازخورد از جلسه قبل - ارائه خلاصه ای از مطالب قبلی - بیان این موضوع که اطلاعات و آگاهی در زمینه تربیت جنسی توسط چه کسانی و به چه شکلی باید ارائه گردد - نقش والدین و هدایتهای آنها - روابط خانوادگی ابراز علاقه و محبت بدون قید و شرط - ارائه الگوهای مناسب - رعایت احترام متقابل - بیان محدودیتها - دریافت نظرات عالیات و ارائه مطالب و دیدگاه های علمی و دینی - جمع بندی و نتیجه گیری.

جلسه پنجم

دریافت بازخورد از جلسه قبل و بیان خلاصه و مختصر از مطالب قبلی - آموزش جنسیت و نقش جنسیتی - ویژگی های مربوط به هویت جنسی - آموزش بهداشت جنسی و پیشگیری از انواع بیماری های این دوره - عوامل موثر بیرونی در تربیت جنسی کودکان - آموزش پیشگیری از از جنبه های مختلف آزار یا سوء استفاده جنسی کودکان این دوره - جمع بندی و نتیجه گیری.

جلسه ششم

پرسش و پاسخ - جمع بندی و نتیجه گیری و دریافت بازخورد از کل دوره.

پرسشنامه استرس والدینی

این شاخص توسط آبیدين ساخته شده است و پرسشنامه ای است که بر اساس آن می توان اهمیت استرس در نظام والدین و کودک را ارزشیابی کرد و بر این اصل مبتنی است که استرس والدینی می تواند از پاره ای ویژگیهای کودک، برخی خصیصه های والدین و یا موقعیت های متنوعی که با ایفای نقش والدینی بطور متسقیم مرتبط هستند، ناشی شود. این شاخص شامل ۲۱ ماده است که دو قلمرو کودکی و والدینی به اضافه یک مقیاس اختیاری تحت عنوان استرس زندگی را در بر می گیرد. اعتبار یا روایی با این مسئله سر و کار دارد که یک ابزار اندازه گیری تا چه حد چیزی را اندازه می گیرد که ما فکر می کنیم (سرمد و همکاران، ۱۳۹۰). روایی پرسشنامه شاخص استرس والدینی توسط ابراهیمی (۱۳۹۷) این حوزه تأیید شده است.

پرسشنامه رفتار جنسی کرک

این شاخص توسط کرک ساخته شده است و پرسشنامه ای است که بر اساس آن می توان رفتار جنسی را ارزشیابی کرد این پرسشنامه حاوی ۳۵ سوال ۶ گزینه ایست که از اصلا تا خیلی زیاد طبقه بندی شده است. اعتبار یا روایی با این مسئله سر و کار دارد که یک ابزار اندازه گیری تا چه حد چیزی را اندازه می گیرد که ما فکر می کنیم (سرمد و همکاران، ۱۳۹۰). روایی پرسشنامه شاخص رفتار جنسی توسط مقدم (۱۳۹۵) این حوزه تأیید شده است.

فرضیه اصلی: آموزش تربیت جنسی بر اساس مفاهیم اسلامی و روانشناسی موجب کاهش رفتارهای جنسی وابسته به رشد فرزندان می شود.

با تعدیل نمرات پیش آزمون، بین گروه های کنترل و آزمایش در مرحله پس آزمون متغیرهای مفهومی با سطح معناداری ۰/۰۰۰ تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارتی آموزش تربیت جنسی بر اساس مفاهیم اسلامی و روانشناسی موجب کاهش رفتارهای جنسی فرزندان می شود و میزان تاثیر آن ۹۸ درصد است. نتایج این پژوهش با پژوهش نادری همخوانی دارد. نادری (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی رابطه بین خودکارآمدی والدین و تربیت جنسی فرزندان با نقش واسطه ای استرس والدینی مادران شهر کرمانشاه باهدف بررسی رابطه بین خودکارآمدی والدین و تربیت جنسی فرزندان با نقش واسطه ای استرس والدینی مادران شهر کرمانشاه پرداخت. جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل کلیه مادران شهر کرمانشاه بود به منظور تجزیه و تحلیل داده ها، از نرم افزار اسپاس استفاده شد. با توجه به نتایج بدست آمده از این پژوهش بین خودکارآمدی والدین و تربیت جنسی

فرزندان با نقش میانجی استرس والدینی شهر رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و بکارگیری خودکارآمدی والدین و توجه بیشتر به استرس والدینی باعث افزایش تربیت جنسی فرزندان می‌شود.

فرضیه دوم: آموزش تربیت جنسی بر اساس مفاهیم اسلامی و روانشناسی موجب افزایش خودکارآمدی مادران در برخورد با رفتار کودک خود می‌شود.

زمینی (۱۳۹۶) به بررسی رابطه تربیت جنسی با استرس والدینی و خودکارآمدی والدینی و والدین تبریز پرداخت. روش این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی می‌باشد و نمونه ۱۰۶ نفر از کارکنان آموزشی و اداری دانشگاه تبریز در سال تحصیلی ۸۷ بودند. نتایج به‌دست‌آمده گویای آن است که، تربیت جنسی غالب در دانشگاه تبریز از نوع عقلانی می‌باشد و اما بین کارکنان آموزشی و اداری از نظر خودکارآمدی والدینی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. نتایج حاکی از این بود که بین استرس والدینی و خودکارآمدی والدینی زنان و مردان تفاوت معنی‌داری وجود ندارد و نیز بین تربیت جنسی و استرس والدینی رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه سه: آموزش تربیت جنسی بر اساس مفاهیم اسلامی و روانشناسی موجب کاهش استرس مادران در برخورد با رفتار کودک خود می‌شود.

بنابراین می‌توان گفت تفاوت میانگین نمرات استرس والدینی در دو گروه کنترل و آزمایش معنی‌دار است به طوری‌که آموزش تربیت جنسی بر اساس مفاهیم اسلامی و روانشناسی موجب کاهش استرس مادران در برخورد با رفتار کودک خود می‌شود بنابر این فرضیه تایید می‌گردد. نتایج این پژوهش با نتایج داتسون همخوانی دارد.

محدودیت های پژوهش

چند محدودیت و مشکل مطرح در این تحقیق عبارت بود از:

- ۱- محدود بودن اجرای پژوهش در دوره ی ابتدایی مخصوصا در سنین ۳ تا ۶ سال
- ۲- محدود بودن اجرای پژوهش در شهر اصفهان
- ۳- محدود بودن اجرای پژوهش در متغیر های خودکارآمدی و استرس

پیشنهادها کاربردی

۱- با توجه به فرضیه اول که نتایج آن در جدول ۴-۱۲ ذکر شده توصیه می‌شود که آموزش تربیت جنسی بر کاهش رفتارهای جنسی کودکان تأثیر گذار است در نتیجه پیشنهاد می‌شود از پروتکل آموزشی تربیت جنسی در فرآیند کاهش رفتارهای جنسی استفاده شود.

۲- با توجه به فرضیه دوم که نتایج آن در جدول ۴-۱۳ ذکر شده توصیه می‌شود که آموزش تربیت جنسی بر بهبود خودکارآمدی والدینی تأثیر گذار است در نتیجه پیشنهاد می‌شود از پروتکل آموزشی تربیت جنسی در فرآیند افزایش خودکارآمدی والدینی استفاده شود.

۳- با توجه به فرضیه سوم که نتایج آن در جدول ۴-۱۴ ذکر شده توصیه می‌شود که آموزش تربیت جنسی بر کاهش استرس والدینی تأثیر گذار است در نتیجه پیشنهاد می‌شود از پروتکل آموزشی تربیت جنسی در فرآیند کاهش استرس والدینی استفاده شود.

۴- در عرصه عمل یافته‌های این پژوهش می‌توانند اطلاعات مهمی برای والدین و کودکان ایرانی داشته باشد. این یافته‌ها بیانگر آن است که جهت ارتقای و بهداشت جنسی و روانی فرزندان والدین می‌توانند در عملکرد خود تجدید نظرهایی به عمل آورند. ایجاد ارتباط باز با فرزندان ابزار احساسات محبت آمیز و پاسخ‌های مناسب به پرسش‌های آنها می‌تواند سلامت جنسی سلامت روانی ایجاد و زندگی غنی‌تری را در پی داشته باشد.

۵- یافته‌های این پژوهش می‌تواند برای مربیان مراکز آموزشی مهد به ویژه مشاوران و مربیان تربیتی نیز مفید باشد از مهدکودک‌ها انتظار می‌رود که مهارت‌های تربیت جنسی کودکان را به والدین آموزش دهند.

۶- با توجه به بهبود رابطه والدین با کودکان از طریق این برنامه، می‌توان به آموزش والدین و کودکان زمینه تربیت جنسی به عنوان راهکاری برای کاهش رفتار جنسی فرزندان در سایر مراکز امیدوار بود.

۷- در کارگاه‌های آموزشی تربیت جنسی و روابط والدین با کودکان از این پژوهش می‌توان استفاده کرد با توجه به تاثیر آموزش مادران در زمینه تربیت جنسی کودکان در اصلاح و بهبود رفتارهای جنسی و افزایش خودکارآمدی و کاهش استرس والدین پیشنهاد می‌شود که این دوره آموزشی به طور وسیع و گسترده در مدارس و دانشگاه‌ها اجرا گردد.

پیشنهادها برای پژوهش‌های آتی

به پژوهشگران و صاحب‌نظرانی که علاقمند به پژوهش در این زمینه می‌باشند، توصیه می‌شود جهت کاربردی‌تر کردن نتایج این مطالعه، ضمن انجام مطالعاتی در سایر صنایع از جمله سازمانهای آموزشی، نتایج پژوهش حاضر با نتایج مطالعات پیشنهاد شده مقایسه شود و همچنین با استفاده از ابزار متنوع‌تر بر توان تعمیم‌پذیری نتایج این پژوهش بیفزایند.

به محققین آینده و به پژوهشگران و صاحب‌نظرانی که علاقمند به پژوهش در این زمینه می‌باشند، توصیه می‌شود تأثیر ساختار آموزشی مدارس را بر مفاهیم و تربیت جنسی بررسی کنند.

به محققین آینده و به پژوهشگران و صاحب‌نظرانی که علاقمند به پژوهش در این زمینه می‌باشند، توصیه می‌شود تا ارتباط میان جهت‌گیری مذهبی والدین و تربیت جنسی کودکان را بررسی نمایند.

منابع:

۱. احدی، ح و جمهری، ف.، ۱۳۹۶. روانشناسی رشد. کودکی بزرگسالی. تهران: نشر بنیاد.
۲. احمدیان، ف.، ۱۳۹۶، رابطه شیوه های فرزند پروری با خود کارآمدی و سرآمد دانش آموزان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.
۳. اسفندیاری، غ.، ۱۳۹۵، مقایسه شیوه های فرزند پروری مادران در دو گروه کودکان مبتلا به اختلال رفتار و تأثیر آموزش مادران در کاهش اختلال رفتاری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.
۴. اسپالدینگ، ال. ۱۳۷۷. انگیزش در کلاس درس (مترجمان، حس یعقوبی، ایرج خوش خلق). تبریز: انتشارات دانشگاه تربیت معلم.
۵. افروز، غ.، ۱۳۹۶، روان شناسی و تربیت کودک و کودک.، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
۶. البرزی، ش. و سامانی، س. ۱۳۹۶. بررسی و مقایسه باورهای انگیزشی و راهبردهای یادگیری خودتنظیمی برای یادگیری در میان دانش آموزان دختر و پسر مقطع راهنمایی مراکز تیزهوشان شهر شیراز. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ۱۵ (۱)، ۲۸-۴۵.
۷. برجلی، ا. ۱۳۹۶. تأثیر سازگاری و الگوهای فرزندپروری مادران در دو گروه کودکان مبتلا به اختلال رفتار و تأثیر آموزش مادران در کاهش اختلال رفتاری. پایان نامه کارشناسی ارشد، انستیتوی تحقیقات روان پزشکی تهران.
۸. برومند نسب، م. و همکاران. ۱۳۸۱. بررسی رابطه ساده و چندگانه خلاقیت، انگیزه پیشرفت و عزت نفس با کارآفرینی در دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز. مجله روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز، شماره های ۳ و ۴، سال نهم.
۹. بخشی، ا.، ۱۳۹۶، بررسی رابطه بین شیوه های فرزند پروری مادران با انگیزش پیشرفت تحصیلی و مرکز کنترل فرزندان، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تبریز.
۱۰. بیغم، ح.، ۱۳۹۵، رابطه بین اختلال وسواس فکری- عملی و شیوه های فرزند پروری اقتدار منطقی، آزادگذاری و استبدادی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تبریز.
۱۱. پروین، ل.، ۱۳۹۲، روانشناسی شخصیت.، ترجمه: جوادی، م. و کدیور، پ. مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
۱۲. پورعبدلی سردرود، ه.، ۱۳۹۱، بررسی رابطه بین نگرش به شیوه های فرزند پروری و ادراک فرزند از آن شیوه ها با مکان کنترل و خودپندار دانش آموزان پسر پایه سوم راهنمایی شهر تهران. پایان نامه ی کارشناسی ارشد.
۱۳. حسین چاری، م. ۱۳۹۳. مقایسه مهارتهای ارتباطی کودکان و جوانان، نیم نگاهی به نقش دانشگاه. مقاله ارائه شده در دومین همایش خانواده و چالشهای آن در دنیای معاصر، ۳۷- ۲۸ اردیبهشت، شیراز.
۱۴. حسین چاری، م و خیر، م. ۱۳۹۱. بررسی کارآیی یک مقیاس برای سنجش احساس تنهایی در دانشآموزان دوره راهنمایی. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره نوزدهم، شماره اول، پیاپی ۳۷، صص ۴۶-۵۹.
15. Grolnick, W. S. ,Ryan, R. M. , & Deei, E. L. (2016). Inner resource for school achievement: Motivational mediators of children’s perceptions of their parents. *Journal of Educational Psychology*, 83, 808- 517.
16. Guimond, A. B. , Wilcox, M. J. , & Lamorey, S. G. (2008). The Early Intervention Parenting Self-Efficacy Scale (EIPSES) , *Journal of Early Intervention*, 30, 295-320.

17. Jones, T. L. , & Prinz, R. J. (2005). Potential roles of parental self-efficacy in parent and child adjustment: A review. *Clinical Psychology Review*, 25, 341-363.
18. Johnson, H. C. , Cournoyer, D. E. , Fisher, G. A. , McQuillan, B. E. , Moriarty, S. , Richert, A. , et al. (2000). Children's emotional and behavioral disorders: Attributions of parental responsibility by professionals. *American Journal of Orthopsychiatry*, 70 (3) , 327-339.
19. Koeske, G. , & Koeske, R. (2017). The buffering effect of social support on Parental stress. *American Journal of Orthopsychiatry*, 60, 440-451.
20. Lemos, S. L. (1999). Student's goals self- regulation in the clasroom. *International Journal of Educational Research*, 31, 471- 485.